زلزله «سن» در راه است

گفت وگو با محمدرضا واعظ معاون برنامه ریزی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی

«جمعیت ایران خاکستری می شود» این را آمارها فریاد می زنند. آمارهای مرکز آمار ایران نشان می دهد ۳/۲ درصد از جمعیت کشور در سال ۱۳۳۵ ، ۶۰ سال سن داشته‌اند، این رقم در سال ۱۳۷۵ به ۶/۶۷ درصد رسیده است. به تعبیر دیگر جمعیت سالمندی کشور در فاصله ۴۰ سال دو برابر شده است. بر همین اساس جمعیت شناسان پیش بینی کرده‌اند اگر در سال ۱۳۹۵ جمعیت کل کشور به ۹۰ میلیون نفر برسد، حدود ۱۲ میلیون سالمند بیش از ۶۰ سال خواهیم داشت، در حالی که این قشر در حال حاضر حجم ۴/۵ میلیون نفری را در هرم جمعیتی کشور به خود اختصاص داده است. هشدارهای کارشناسان در زمینه بروز بحران سالمندی در سال های آینده، این موضوع را به برنامه سوم توسعه کشاند و باعث شد، در سال ۷۹ ساماندهی سالمندان کشور در بند «الف» ماده ۱۹۲ این برنامه گنجانده شود. شورای ملی سالمندان در پی تصویب این نامه اجرایی آن، در اردیبهشت سال گذشته به ریاست وزیر بهداشت و درمان و دبیری سازمان بهزیستی تشکیل شد. پس از تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، ریاست این شورا به وزیر رفاه سپرده شد، اقدامات و برنامه های این وزارتخانه در زمینه سالمندان، موضوع گفت وگوی ما با «دکتر محمدرضا واعظ مهدوی»، معاون برنامه ریزی و سیاستگذاری وزارت رفاه و تأمین اجتماعی است که پیش روی شماست.

عکس: فرزین گلباد

نزدیک به یک سال و نیم پیش شورای ملی سالمندان به ریاست وزیر بهداشت و درمان تشکیل شد، با تشکیل وزارت رفاه ریاست شورا به عهده این وزارتخانه گذاشته شد، در این مدت در این زمینه چه اقداماتی انجام داده اید؟

از نظر ساختاری و تشکیلاتی، دبیرخانه شورای ملی سالمندان در سازمان بهزیستی مستقر است و براساس قانون این شورا به دبیری سازمان بهزیستی، وظایف خود را انجام می دهد. در سازمان بهزیستی نیز مطالعاتی در حوزه سالمندان آغاز شده و در حقیقت امور شورا در آنجا پیگیری می شود. در وزارت رفاه نیز ما مطالعاتی را آغاز کردیم تا بتوانیم نتایج آن را به صورت گزارش هایی مدون به شورای ملی سالمندان ارائه دهیم تا متناسب با آن اقدامات و فعالیت ها در این زمینه آغاز شود. از جمله اینکه قرار شده با هماهنگی دانشگاه علوم بهزیستی و سازمان بهزیستی، مرکز تحقیقات سالمندی را که در این دانشگاه تشکیل شده، به عنوان مرکز برنامه ریزی امور سالمندی در نظر بگیریم. این مرکز از نظر کادر علمی، نیروهای مسلط و توانمندی دارد. و به طور طبیعی وجه مهم ظرفیت سازی ها در زمینه امور سالمندان، باید در این دانشگاه انجام شود. براساس بحث ها و مطالعات مختلف به این نتیجه رسیدیم، لازم است طرح جامعی در این زمینه تدوین شود که جوانب مختلف مسائل پیش روی سالمندان را در آینده تبیین و استخراج کند. این طرح اولاً باید وضعیت تحرک هر سنی را به طور مرتب مورد پیگیری قرار دهد. قسمت بزرگ و چتاق هم سنی جمعیت ما که در سال ۱۳۷۵ در سنین ۱۴-۱۰ قرار داشت در حال حاضر به سنین ۲۴-۲۰ سال رسیده است به همین دلیل در شرایط فعلی مشکل اشتغال و ازدواج افراد ۲۴-۲۰ ساله را داریم. اما ۳۰ سال دیگر بزرگی هرم به سنین ۵۴-۵۰ سال خواهد رسید و آن وقت است که مشکلات عدیده مربوط به سالمندی جمعیت را خواهیم داشت. اقدام مهم مانیتور کردن این جریان دموگرافیک و تحول جمعیتی است که در استان های مختلف می تواند به اشکال مختلفی بروز کند و اگر لازم باشد می توان تدابیر مختلفی را در مناطق مختلف دنبال کرد. طبیعتاً در سطح آموزش پزشکی، باید تربیت نیروی متخصص سالمندی مورد توجه قرار گیرد، تولید داروهای مورد نیاز متناسب با این الگوی جمعیتی، تغییر یابد. برنامه ریزی مراکز تفریحی و امکانات تفریحی متناسب با این سن باشد. آموزش مهارتهایی مانند روش سلوک با سالمندان، شناخت نیازهای آنان و روش پاسخگویی به آن، نحوه مقابله با نگرانی، دلشوره و به عبارتی مدیریت استرس، بهبود حافظه و جلوگیری از فراموشی باید در دستور کار آموزش های اجتماعی قرار گیرد. پیشگیری یا غربالگری برخی بیماریهای خاص دوران سالمندی مورد توجه باشد، در حقیقت تمام این موارد می تواند عناصر یک پکیج برای ما باشد که باید در طرح جامع سالمندی گنجانده شود. یعنی سرفصل های مصادیق و اقداماتی که باید در برنامه های ملی در سطح آموزشی، تأمین دارو، پروتکل های غربالگری و روش های درمانی صورت بگیرد، در یک مطالعه جامع مشخص شود. مرکز تحقیقات سالمندی موظف شده با توجه به این موارد، طرح اولیه را تنظیم کند. این طرح به وسیله مجموعه دانشگاه علوم بهزیستی، سازمان بهزیستی و وزارت رفاه بررسی شده و پس از نهایی شدن به عنوان سند ملی سالمندان برای تصویب به شورای ملی سالمندان ارسال شود. سپس در شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی مورد تصویب قرار گرفته و در مرحله بعد برنامه های اجرایی و تقسیم کار ملی برای پیگیری به این امر مهم، سازمان پیدا کند و در نهایت برنامه ها با حجم عملیات مشخص و اهداف کمی به وسیله وزارت رفاه پیگیری شود.

همه آنچه به آن اشاره کردید در سالهای اخیر توسط کارشناسان حوزه های مختلف مرتبط با سالمندان عنوان شده و همین موضوع زمینه ساز طرح ساماندهی سالمندان در برنامه سوم توسعه و تشکیل شورای ملی سالمندان شد. اما در حال حاضر نهادهای مختلفی از جمله اداره سلامت سالمندان وزارت بهداشت، معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی، مرکز تحقیقات سالمندی هر یک به طور جداگانه در این حوزه مشغول به فعالیت هستند، با تشکیل وزارت رفاه انتظار این اقدامات در حوزه سالمندان در یکجا متمرکز شده و از پراکنده کاری جلوگیری شود؟

نخستین مرحله انجام کار این است که بدانیم چه اقداماتی باید انجام شود، ضمن اینکه ممکن است اقدامات لازم در ذهن همه یکسان نباشد یا اولویت بندی ها را قبول نداشته باشند. بنابراین در مرحله دوم باید اقدامات مورد توافق دست اندر کاران قرار بگیرد. پس از آن باید دید آیا این موارد برای سایر واحدهای بیرون از مجموعه وزارت رفاه و سازمان های وابسته و دولت الزام آور خواهد بود. بنابراین در مرحله سوم این موارد باید در مراجع رسمی تصویب شود، مرحله چهارم و پنجم تأمین منابع اعتباری اقدامات و اجرای آن است. ما در وزارت رفاه این پنج مرحله را شفاف و طبقه بندی کرده ایم و فعلاً در مرحله اول هستیم. متأسفانه در اول هر کاری می پرسیم آخر کار چه خواهد شد و در آخر کار هم به چند کار کوچک اجرایی بسنده می کنیم که با آن مشکلی حل نمی شود. مثل طرح منزلت سالمندان. چون نگاه پراگماتیسمی داشته و کم حوصله هستیم، بدون اینکه مطالعه کنیم، تصمیم می گیریم. ما در دفتر سیاستگذاری تلاش می کنیم، پلکان و متدولژی تصمیم گیری را به طور منطقی جلو ببریم. البته این کار نفی کننده کارهای اجرایی که به عنوان دبیرخانه سازمان بهزیستی با ارگانهای دیگر کشور انجام می شود، نیست. در حقیقت مسائل اجرایی مانند آموزش نیروی متخصص طب سالمندی به عهده وزارت بهداشت است، مناسب سازی فضاهای فیزیکی را وزارت مسکن باید انجام دهد، وزارت راه باید به دنبال حل مشکلات حمل و نقل این قشر باشد منتهی این وزارت رفاه است که باید هم گرایی برنامه ها و تبدیل آنها به برنامه جامع را دنبال کند.

و در نهایت مرجع تصمیم گیری، شورای ملی سالمندان است؟

بله.

در آیین نامه شورای ملی سالمندان، حضور تمامی وزرا و رؤسای سازمانهای مرتبط با حوزه سالمندی و... پیش بینی شده، فکر نمی کنید تشکیل شورایی با این گستردگی باعث ایجاد پراکندگی شده و تصمیم گیری را مشکل کند؟

پراکندگی ایجاد نمی کند، وقتی همه نهادهای ذیربط دور یک میز می نشینند در واقع به نوعی همگرایی ایجاد می شود منتهی در اینکه چقدر به راحتی تصمیم گرفته شود، صحبت شما درست است، شاید تصمیم گیری مشکل باشد. تصور ما این است که اگر همه تصمیمات در قالب یک طرح جامع باشد و براساس مطالعه منسجم، ساماندهی امور سالمندان در کشور انجام شود، هر کدام از دستگاهها، قسمتهای مربوط به خود را مطالعه، نقد و بررسی و یا اصلاح می کنند و در واقع مجموعه آنها به صورت منظومه بر روی وظایف توافق کرده و آن را در دستور کار قرار می دهند.

آقای دکتر! به نظر می رسد شورای ملی سالمندان با همه جامعیتی که دارد جایگاه لازم را برای اجرایی کردن این اقدامات ندارد. در آیین نامه اولیه، پیش بینی شده بود شورا به ریاست رئیس جمهوری تشکیل شود، بعد ریاست به وزیر بهداشت سپرده شد، فکر نمی کنید، تشکیل شورا به ریاست رئیس جمهوری در کنار وزرا در واقع اهمیت موضوع را پررنگ تر می کرد و این طور القا می کرد که این مسأله، مسأله ملی است؟

فکر می کنم صحبت شما درست است. منتهی ممکن است دو سال دیگر به این نکته ای که می گویید برسیم. مسأله سالمندان، مسأله ملی است. هرم جمعیتی کشور نشان می دهد مسائل سالمندی، مسأله ملی است. تجارب بین المللی اهمیت مسأله سالمندان را نشان می دهد مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از حرکت جوامع به سمت سالمندی در سراسر جهان جدی است. این موضوع، یک مسأله برنامه ای است که برنامه ریزان کشور باید بدان توجه کنند. معمولاً حضور رئیس جمهور در رأس شوراها برای هماهنگی و سرعت در تصمیم گیری ها مفید است ولی شاید شوراهایی که باید کار کارشناسی انجام دهند خیلی هم لازم نباشد. مزاحم وقت رئیس جمهور شوند و تصمیم گیری هم زمانی باید انجام شود که معلوم باشد می خواهیم چه تصمیمی بگیریم. تصمیم گیری حتماً باید مترتب بر انجام مطالعه و تنظیم طرح باشد و چون هنوز طرح جامع ما در حوزه سالمندی تنظیم نشده، ابعاد مختلف آن مورد شناسایی قرار نگرفته و رابطه آن با طرح سایر مقوله های اقتصادی و اجتماعی مشخص نیست و به تبع همه اینها نظام تقسیم کار ملی تنظیم نشده، طبعاً تشکیل جلسه با حضور رئیس جمهور یا وزیر چندان تفاوت نمی کند. بالاخره این کار باید به صورت تخصصی و علمی انجام شده و برای اجرای آن از رئیس جمهوری کمک گرفته شود تا دستگاههای مختلف را به اجرای ابعاد مختلف طرح موظف کند.

پس از نظر شما آیین نامه این شورا هم نیاز به بازنگری دارد؟

آیین نامه، شیوه اداره جلسات است.

براساس آیین نامه در این شورا، هیچ نماینده‌ای از تشکل های غیر دولتی حضور ندارد، در حالی که در زمینه سالمندان، بزرگ ترین نهاد ارائه دهنده خدمات در ایران و خاورمیانه، آسایشگاه سالمندان کهریزک است، یا در هیچ بندی وظیفه‌ای برای وزارت رفاه می توانند در آینده ادعا کنند هیچ وظیفه‌ای در قالب آیین نامه ندارد؟

ممکن است این اتفاق بیفتد. منتها الآن وقت این کار نیست. ما باید انرژی مان را برای تهیه طرح بگذاریم بعد از تهیه طرح ممکن است به این نتیجه برسیم که بافت شورای ملی سالمندان، مناسب اجرایی کردن طرح نیست و باید بافت مناسب را طراحی کنیم. به عبارت دیگر باید ساختار و سازماندهی متناسب برای اجرای یک برنامه شکل بگیرد. ما باید اول برنامه داشته باشیم، اگر به ساختار فکر کنیم مانند قالبی است که پی ریزی کردیم بدون اینکه به محتوایش توجه کرده باشیم.

در حال حاضر تعامل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی با شورای ملی سالمندان چگونه است، با توجه به اینکه این وزارتخانه متولی امور اقشار مختلف جامعه از جمله سالمندان است؟

بیشترین وظیفه ای که وزارت رفاه دارد تصمیم سازی و انجام کارهای کارشناسی مطالعات و تنظیم سیاست هایی است که به شورای ملی سالمندان پیشنهاد می کند. رابطه وزارت رفاه با شورا رابطه پیشنهاد مصوبات، لوایح و طرح های لازم برای نهایی شدن و تنظیم و تقدیم آن به شورای ملی و هیأت وزیران برای تصویب است.

زلزله سن در جهان رخ داده است و آثار این انقلاب آرام، دیر یا زود بر وظایف آتی کشورها به طور عمیق تأثیر خواهد گذاشت. این وضعیت، ضرورت بازنگری و بهینه سازی امور مربوط به فرایند سالمندی را ایجاب می کند، به جرأت می توان گفت هرگونه تصمیم گیری و سیاستگذاری در مورد مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها، این روزها متأثر از همین تغییرات عظیم پیری جمعیت خواهد بود، این موضوع تا چه حد در اولویت سیاستگذاری های وزارت رفاه قرار گرفته است؟

بحث بالا رفتن سن امید به زندگی و بالا رفتن تعداد جمعیت پیر، امروزه یکی از چالش های نظام های تأمین اجتماعی در سراسر دنیاست. این چالش در فرانسه موجب تغییر دولت می شود، در آلمان تظاهرات گسترده ای را به دنبال دارد، در بلژیک تحولات بسیاری را رقم می زند. طبعاً در ایران نیز این موضوع به رسمیت شناخته شده و سعی می شود تدابیری در این چارچوب اتخاذ شود که از جمله آنها بالا رفتن سن بازنشستگی است. یکی از مسائلی که در حوزه سالمندان هم جنبه اقتصادی دارد و هم جنبه اجتماعی، بیکاری سالمندان است. یکی از کارکردهای شغل، درآمد است در حالی که ده کارکرد دیگر از جمله منزلت اجتماعی، به کار گرفته شدن جسم و خستگی آن، احساس مفید بودن، کاهش استرس و... دارد. زود خانه نشین شدن افراد در حقیقت از نظر سلامتی مضر است. فردی که در سن ۵۰ سالگی بازنشسته می شود زودتر با مشکلات سالمندی مواجه می شود. بر همین اساس یکی از راهبردهای وزارت رفاه، افزایش سن بازنشستگی است. این موضوع در پیش نویس لایحه خدمات کشوری نیز لحاظ شده است تا سن بازنشستگی به ۶۵ سال تغییر کند. در دولت قبلی آلمان، آقای کلن پیشنهاد کرده بود که افراد حتی بعد از ۶۵ سالگی تا ۷۰ سالگی، کار نیمه وقت داشته باشند و تا ۷۰ سالگی شخص از شغلش جدا نشود بلکه ساعت کارش کمتر شود. مثلاً دو یا سه روز در هفته کار کند. این مسأله از یک سو باعث می شود فرد از خانه بیرون بیاید، احساس مفید بودن کند و در جمع خانواده با دید فرد از کار افتاده، به او نگاه نشود، از سوی دیگر از لحاظ ثبات مالی صندوق های بازنشستگی، به نفع صندوق هاست که این افراد از صندوق های اشتغال، حقوق دریافت کنند نه از صندوق های بازنشستگی. با توجه به اینکه حقوق بازنشستگی، حقوق مکفی نیست و خود فرد هم در ۵۰ سالگی انرژی دارد، بلافاصله به دنبال شغل دیگری می رود. نمی توانید کسی را پیدا کنید که در ۵۰ سالگی بازنشسته شده و هیچ شغلی نداشته باشد. ضمن اینکه در بازار کار هم علاقه زیادی به کار دادن به افراد بازنشسته وجود دارد چون هم نیازی به پرداخت حق بیمه ندارند و هم تجربه بیشتری دارند. در واقع وجود این افراد در بازار رقابتی کار به ضرر جوانان تمام می شود. در واقع ما هر بازنشستگی زودرس را به زیان اشتغال جوانان تلقی می کنیم. در حالی که اگر فرد هفته ای دو یا سه روز و به صورت پاره وقت سر کار باشد و بقیه روزها را استراحت کند، هم به شغل دیگری روی نمی آورد و هم فرصت شغلی دیگری آزاد می شود. در این زمینه راهبردهای متعدد دیگری نیز در سطح کشور در دست بررسی است مانند آموزش مهارتهای زندگی و سلوک با سالمندان که جزو برنامه های آموزش مهارتهای اجتماعی قرار گرفته است. این موارد، جدی تلقی کردن مسائل مربوط به سالمندان را نشان می دهد منتها این مشکل ۳۰ سال دیگر خود را نشان می دهد. برنامه های ما نیز باید برنامه هایی باشد که ما را تا ۲۰ و ۳۰ سال دیگر تجهیز کند و بتواند جوابگوی مسائل ما باشد. والا مثل الآن که با مسائل اشتغال جوانان به نوعی غافلگیر شدیم ۳۰ سال دیگر با مسائل تفریحات، سلامتی، مشکلات عاطفی و خانوادگی، اقتصاد و سایر محورهای مربوط به سالمندان، غافلگیر خواهیم شد.

بحث افزایش سن مدتی پیش از سوی سرپرست سابق وزارت رفاه در یکی از دیدارهای مردمی ایشان عنوان شد و در سطح جامعه، بازتاب مثبتی نداشت، آیا برای این موضوع و پذیرش آن از سوی جامعه مطالعه یا اقدامی کرده اید؟

ابعاد بحران سن باید در دل جامعه روشن شود. به قول شما زلزله سن آثار وسیع و گسترده ای خواهد داشت و از همین امروز باید نسبت به آن آمادگی کسب کنیم. متأسفانه همیشه با این مشکل مواجهیم که منافع کوتاه مدت با مصالح بلندمدت در تعارض قرار می گیرد و اشخاص برای منافع کوتاه مدت تصمیماتی می گیرند که اجرای آن در درازمدت به بدنه جامعه لطمه می زند. مسأله سن یکی از این مسائل است. در مطبوعات اعلام شد بالا بردن سن، طرح وزارت رفاه و تأمین اجتماعی است. این موضوع به هیچ عنوان طرح وزارت رفاه نیست بلکه الزام جمعیتی کشور است. این هرم جمعیتی است که بحران را هشدار می دهد و ما باید خود را با این افزایش سن تطبیق دهیم. در واقع یکی از مصادیق این تطبیق، تصمیماتی است که باید در حوزه بازنشستگی کشور گرفته شود. در حال حاضر محاسبات ما نشان می دهد اگر تمام کسور بیمه ای پرداخت شده توسط فردی که در سال ۵۴ استخدام و در سال ۸۴ بازنشسته شده، با نرخ سود درازمدت بانکی محاسبه کنیم، فقط پرداخت سه سال حقوق بازنشستگی وی را تأمین می کند. در حالی که در حال حاضر به طور متوسط برای هر فرد بازنشسته ۲۵ سال حقوق پرداخت می کنیم. یعنی هزینه ۲۲ سال آن از صندوق تأمین نمی شود و ۲۲ سال بقیه باید در بودجه های عمومی گنجانده شود. با بالا رفتن سن، جامعه ما به سمتی پیش خواهد رفت که شاید سه برابر بودجه عمومی کشور را باید کنار گذاشت و آن وقت ۲۰ سال دیگر ما عملاً آموزش و پرورش نداریم، نمی توانیم بهداشتی داشته باشیم یا روی صنعت سرمایه گذاری کنیم، تمام سرمایه گذاری ها مختل خواهد شد. باید از الآن به این موضوع توجه داشته باشیم. چنین شرایطی، بحران های بزرگی را پشت سر خود دارد. حال اینکه فردی خوشش بیاید یا نه، اصلاً این مسائل در این سطوح قابل طرح نیست. به عبارت دیگر، این موارد، مسائل اجتناب ناپذیری هستند که در اثر تحولات دموگرافیک جمعیت در جهان رخ می دهد واگر آن را شناسایی نکنیم، تدابیر لازم را اتخاذ و برنامه ریزی نکنیم و نسبت به اصلاح قوانین و مقدراتمان بی تفاوت باشیم و جنبه های مختلف این موضوع را در نظر نگیریم در بحران فرو خواهیم رفت.

این نوع نگرش، دیدگاه کارشناسانه است که در بطن جامعه عمومیت ندارد، به عبارتی جامعه آمادگی پذیرش این مسأله را ندارد، من می خواهم بگویم همانطور که شما از الآن برای ۳۰ سال آینده سالمندان طرح و برنامه تحقیقاتی تهیه می کنید، برای افزایش سن بازنشستگی طی یک یا دو سال آینده هم طرحی دارید که هنگام اجرای این طرح، جامعه دچار بحران نشود؟

در این راستا وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها باید کمک کنند و ما در این حوزه دست نیازمان را به سوی رسانه ها و مطبوعات دراز می کنیم و از آنها استمداد می طلبیم که ابعاد مختلف این مسأله را مورد کارشناسی قرار دهند و این امکان را فراهم کنند که این مسائل بدون احساس و عوامفریبی های ساده اندیشانه نگریسته شود و با دید کارشناسی و آینده نگرانه تجزیه و تحلیل شود. در وزارت رفاه شعاری داریم مبنی بر اینکه حق نداریم منافع نسل آینده را فدای مصالح نسل امروز کنیم. در حقیقت باید به نحوی عمل کنیم که امکان رفاه و تأمین اجتماعی و زندگی توأم با آسایش و آسودگی روانی برای نسل آینده نیز فراهم باشد و امکانات موجود را بین النسلی توزیع کنیم و این موضوع است که توسعه پایدار را تأمین می کند و باید آموزش داده شود. یک رکن مهم طرح جامعی که تهیه خواهد شد آموزش های اجتماعی، ظرفیت سازی اجتماعی، ایجاد باور و اطلاعات و آگاهی لازم در سطح خانواده ها، بخش های خدماتی، بهداشتی، کارکنان... و واحدهایی که به نوعی با این حوزه ها مرتبط هستند، در اولویت است.

پیش بینی شما برای زمان تدوین طرح و عملی شدن آن چیست؟

این موضوع به وضعیت ثبات دستگاه ها و وضعیت اجرایی که پیش رو داریم برمی گردد و اینکه این ایده تا چه میزان در دولت جدید حمایت شده و به صورت جدی در دستور کار قرار گیرد. ظرفیت های اجتماعی به کار گرفته شد و سرمایه گذاری های لازم در این حوزه ها انجام شود. در صورت انجام همه این موارد به نظر من تهیه طرح ظرف یک سال آینده امکانپذیر خواهد بود و ما می توانیم به نحوی عمل کنیم که در بودجه سال ۱۳۸۶ این موارد را لحاظ کنیم و اقدامات لازم را پیش ببریم.

تنگه بلاغی؛ دوراهی میان نوین سازی و حفظ میراث فرهنگی

نوشته: Remy Boucharlat ـ ترجمه: سپیده میرحسینی

بین پاسارگاد اولین پایتخت امپراتوری ایرانیان و پرسپولیس جاده ای قرار دارد که از میان گردنه ای کم عرض و گذرگاهی باریک به نام بلاغی می گذرد.

در این منطقه سدی در دست احداث است که طبق جدول زمان بندی، امسال پایان می یابد و حدود ۲۰ کیلومتر مربع از دره به زیر آب می رود، زمانی که سطح آب رودخانه طغیان کرده و بالا می آید، به وسیله این سد هدایت می شود و البته این مسأله به خودی خود آنچنان خطرناک نیست، زیرا آب در حدود ۶ کیلومتری مقبره کوروش بالامی آید و خطری آن را تهدید نمی کند. اما سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در ایران تعدادی از باستان شناسان را به منظور بررسی فوری به این منطقه اعزام کرده است. آنها بیش از ۱۰۰ محوطه فعالیتهای انسانی که شامل دو کانال به طول ۱۰ کیلومتر و همچنین خانه هایی سنگی که در دل صخره کنده شده است پی برده اند، باستان شناسان همچنین شواهدی از سکونت گاههای بسیار متفاوت از دیگر مناطق به دست آورده اند. در اینجا از نظر گاه نگاری یافته های بسیار کمی از دوران پیش از تاریخ دیده شده و اغلب آنها دوره هخامنشی تا دوران معاصر را دربرمی گیرد.

غارهای شناسایی شده که اغلب مربوط به دوران پیش از تاریخ هستند، به دلیل بالاتر بودن از سطح آب مورد هجوم و یا تهدید فوری طغیان آب قرار نگرفته اند و به لحاظ اهمیت نمی توان میان این محوطه ها با محوطه هایی که عملیات نجات بخشی در آنها به صورت فوری صورت می پذیرد تفاوتی قائل شد.

به هر حال منطقه یسوند و دره بلاغی سزاوار توجه ویژه باستان شناسان است و موقعیت حساسی را در دوره های تاریخی متفاوتی به دست آورده است، حال اگر ما ندانیم چگونه باید عمل کنیم ممکن است هرگز به شواهد و آثار باستان شناختی این منطقه دست پیدا نکنیم.

در حال حاضر باستان شناسان و کسانی که به گذشته علاقه دارند با سؤالی در مورد چگونگی آشتی دو مقوله حفظ میراث فرهنگی با طرحهای عمرانی و اقتصادی مواجه شده اند!...

از جمله مسائلی که مورخان و دوستداران میراث فرهنگی نیاز دارند، دست آوردن اطلاعات در خصوص تمام اشکال و اجزای گذشتگان است و این به معنای توجه و حفظ اثری که قیمت و ارزش بیشتری دارد، نیست، بلکه تمام آثار تاریخی شایسته توجه و مطالعه هستند.

حفاریهای گسترده در ایران در ۲۰ سال گذشته نشان داده باستان شناسان ایرانی چگونه می توانند پاسخ مؤثری به مطالبات دنیای امروز بدهند. به عنوان مثال می توان به شهر باستانی اکباتان که درست در وسط شهر همدان قرار گرفته است، اشاره کرد.

پروژه سد سیوند از سال ۱۳۷۱ در ایران آغاز به کار کرده است و این مسؤولیت به عهده باستان شناسان است که به پیمان کاران و مهندسان و تمام کسانی که با چنین پروژه هایی سروکار دارند، آگاهی دهند. هرچند نظارت و مراقبت از راه دور بسیار مشکل است. البته از طرف دیگر نیز حوزه قضایی باید در زمینه باستان شناسی سخت گیری بیشتری اتخاذ کرده و قوانینی جدید در این زمینه تصویب شود.

جای تأسف است تأخیر در عملیات حفاری نجات بخشی توسط گروههای ایرانی، یا تیمهای بین المللی در این محوطه، بدون شک در ایران واکنشهایی و در خارج از کشور زمینه ای را فراهم آورده است تا بار دیگر کارشناسان در مورد عواملی که آثار باستانی و منطقه را تهدید می کند به مذاکره بنشینند و حتی در مورد به تأخیر انداختن این پروژه تا سال ۱۳۸۵ هم پیشنهاداتی شده است.

خوشبختانه سطح آب در این منطقه به آرامی بالا می آید و برای تحقیق و بررسی محوطه ها زمان کافی وجود دارد بسیاری از این محوطه ها چندین متر بالاتر از جریان رایج رودخانه قرار دارند. میراث فرهنگی و گردشگری در ایران با هدف بررسی، اکتشاف و حفاری چندین محوطه آخرین عملیات بین المللی خود را از پاییز گذشته آغاز کرده است.

درباره چگونگی حفاری در این محوطه ها به نظر می رسد حفاری باید در جای جای سایتها و هر کجا که از بقایای باستانی مانند دهکده ها، اردوگاهها، کشتزارها، کارگاهها، جاده ها و... و همچنین شرح وقایع به ترتیب زمانی بازسازیهایی انجام پذیرد. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در ایران به منظور بررسی تمام نواحی دست نخورده برنامه ای منظم را تدوین کرده است و در این مورد اولویت با مناطقی است که خطر به زیر آب رفتن آنها را بیشتر از دیگر محوطه ها تهدید می کند حتی چندین گروه از کشورهای مختلف در این زمینه یعنی کمک به عملیات نجات بخشی بلاغی اعلام همکاری کردند.

در نهایت پروژه سد و خطر به زیر آب رفتن محوطه ها می تواند پیامد مثبتی را فراهم آورد. در بسیاری از کشورهای صنعتی قبل از هرگونه ساخت و ساز و اجرای طرحهای عمرانی مانند احداث بزرگراهها، راه آهن، جاده ها و یا شهرکهای کوچک، کارشناسان باستان شناسی فراخانده شده و این مناطق را ثبت و مورد بررسی قرار می دهند.

و در آخر می توان گفت دره بلاغی و استان فارس این مهم را ثابت کرده که وضعیت استثنایی و پتانسیل های زیادی در ایران دارد، طوری که تا به امروز بیشترین آثار تاریخی را در خود جای داده است.

هورامان، سرزمین خورشید

سنندج، جمشید فرجوند فردا - در طبیعت سحرانگیز و بی نظیر کردستان، در میان مناظری بکر و دست نخورده، شهری همچون سرزمین خورشید بنا شده که بهشتی دیگر است، نامش هورامان است و آن را هزار ماسوله می گویند.

هورامان زیبا و دیدنی در دل کوه ساخته شده و معماری ماسوله را دارد. حیاط هر خانه باه خانه دیگری است. خانه هایی سنگی که صورت خشکه چین و پلکانی ساخته شده اند. معماری هورامان در نوع خود بی نظیر است.

مقبره و مسجد «پیرشالیار» در هزار ماسوله واقع است. در آداب و رسوم هورامان، مراسم پیرشالیار از اهمیت ویژه ای برخوردار است که هر ساله در بهمن و اردیبهشت ماه برگزار می شود. پیرشالیار مردی دارای کرامت بوده که در هورامان زندگی می کرده است.

این شهر مردمی نجیب و مهمان نواز دارد. لباس آنها آمیزه ای از رنگ و نقش است که در هیچ کجای دنیا نظیر ندارد. بیشتر پارچه ها و پای افزار موردنیازشان توسط بافندگان و دوزندگان محلی بافته می شود. مردان هورامانی چوخه، پانتول، ملکی شال، دستار و کله بان می پوشند. زنان نیز جانی، کلنجه، شال، کلاه و کلله به تن می کنند و انواع لباسها را با زیورآلات مختلف زینت می دهند. هورامانیان علاوه بر مایحتاجشان، صنایع دستی چون گلیم، سجاده، نمد، سبد و گیوه نیز می بافند.

در آب و هوای بی نظیر و زمین حاصلخیز هورامان قارچ، کرفس، کنگر، ریواس، خوزه می روید. پنیر، عسل، گردو و انجیر هم دارند. هورامانیان غذاهای لذیذ و محلی مثل دوغه وا، گردول، ترخینه، شدروا، پرشین و کلانه می پزند و بسیار هم مهمان نوازند.

واژه هورامان از دو بخش اهورا و مان تشکیل شده است. اهورا خدای زرتشت و مان نیز به معنی سرزمین است. پس هورامان همان سرزمین اهورامزدا است.

هور در اوستا خورشید معنی شده است یعنی هورامان را سرزمین خورشید هم می توان خواند. هورامان در ۷۵ کیلومتری جنوب مریوان در کردستان واقع است.